



## آن روز و امروز

• حامد حق شناس

- روزشمار جنگ ایران و عراق، کتاب هفتم، جلد اول
- قطع رابطه آمریکا با ایران
- نویسنده: هادی نخعی
- مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵

**در طرح تحقیقاتی روزشمار جنگ ایران و عراق، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ در پی پاسخ هرچه دقیق تر و جامع تر و همه جانبه تر به این پرسش اساسی درباره جنگ تحمیلی است: «جنگ چرا و چگونه شروع شد؟ چرا و چگونه تداوم یافت و چرا و چگونه پایان یافت»**

گروهی بر این باورند که مورخان روزگار ما، برخلاف اسلاف خود، به صورت جرگه‌های عزلت‌گزیده از نخبگان درآمده‌اند که عامدانه از حوادث بزرگ تاریخی روزگار خویش دوری می‌جویند. منتقدان می‌گویند مورخان حرفه‌ای در پناه توجیه نه چندان دقیق تاریخی نشدن حوادث، پنهان می‌شوند تا از مسئولیت‌های مقرون به دلواپسی و اضطراب ناشی از درگیر شدن با مسائل روز، خود را برهانند. اینان احتجاج می‌کنند که مورخان با این موضع ناپسند، ماهیت و مقصد حقیقی زمینه مطالعاتی خود را تحریف کرده‌اند. شاهد آنان در اثبات مدعای خویش، حضور آگاهانه مورخان بزرگ گذشته در متن حوادث تاریخی و پدید آوردن متونی است که هم‌اینک دست‌کم در شمار اصلی‌ترین مواد و مستندات پژوهش‌ها و تحقیقات حرفه‌ای مورخان امروزی است. مدافعان رفتار فعلی مورخان، ناممکن بودن دسترسی به اطلاعات نسبتاً جامع و آمیختگی روایت‌های معاصران حادثه با انواع حب و بغض، که در جای خود درست، اما خلل‌آفرین در کار مورخان را اصلی‌ترین حجت صحت کار مورخان امروز می‌دانند.

هرچه باشد، جنگ هشت‌ساله ایران و عراق به رغم اهمیتش در حیات تاریخی و اجتماعی ایرانیان، کماکان در پرتو سیطره دیدگاه پرطرفدار تاریخی نشدن، کمتر جای خود را در مراکز دانشگاهی و محافل آکادمیک باز کرده است. با این وجود، و به رغم این موضع، کسانی بوده‌اند و هستند که خلاف‌آمد عادت کرده، آثاری پدید آورده و پدید می‌آورند که بی‌گمان در شمار اصلی‌ترین منابع تاریخ جنگ هشت‌ساله ایران و عراق خواهد بود.

مؤلفان که به نظر می‌آید مهم‌ترین کار خویش را در شرایط کنونی فراهم آوردن داده‌های اولیه، اما قابل اتکا و متن دربارۀ تاریخ جنگ می‌دانند، با پیش‌آگاهی نسبت به پرسش‌های منتقدین خود، پرسش‌های مقدر را این‌گونه پاسخ داده‌اند:

«تا آنجا که به تهیه‌کنندگان مربوط می‌شود، نکاتی باید مؤکداً مورد توجه قرار گیرد. نخست این که، جنگی که می‌خواهند خواننده را با آن درگیر کنند، بایستی خود شناخته و آن را به خوبی درک کرده باشند. دوم این که، در ارائه آنچه دریافته‌اند، جانب امانت را نگه دارند. سوم این که، بخواهند و در موقعیتی باشند که حیطه تحقیق و تاریخ را از حیطه تبلیغات و ترویج مقولاتی که به نحوی در «روز» کاربرد دارد، جدا کنند. چهارم این که، نظرات، ذهنیات و پیش‌فرض‌های خود را «حتی‌المقدور» مهار کنند و نگذارند سایه آن سراسر نوشته را فرا بگیرد.» (همان صفحه ۱۱)

تهیه‌کنندگان، در مقدمه چندین مجلد از مجموعه روزشمار جنگ ایران و عراق توضیحات مفصلي درباره چرایی و چگونگی شکل‌گیری این مجموعه‌ها آورده‌اند. خواننده با مراجعه به کتاب‌های اول، یازدهم و

## «روزشمار» همانند یادداشت‌های

روزانه است که نه به دست یک تن،

بلکه به همت ده‌ها تن نوشته شده

و همانند خاطرات باید نشان‌دهنده

حال و هوای «آن روز» باشد

نه «امروز»، با این شیوه، جنگ

حتی‌المقدور شبیه خودش بازسازی

می‌شود.

و نشریاتی است که در دسترس عموم قرار دارد: دسته دوم بولتن‌ها و گزارش‌های اختصاصی است که در اختیار برخی از شخصیت‌ها و ارگان‌ها قرار می‌گرفته است.» (همان، صفحه ۲۵)

مراجعه علاقمندان به پژوهش‌های تاریخ جنگ به متون اصلی که به اشارت مواردی از آنها را آوردیم، ضروری به نظر می‌رسد.

در کتاب هفتم، که موضوع متن حاضر است، نویسنده ابتدا توضیح می‌دهد: «روزشمار» به عبارتی همانند یادداشت‌های روزانه است که نه به دست یک تن، بلکه به همت ده‌ها تن نوشته شده و همانند خاطرات باید نشان‌دهنده حال و هوای «آن روز» باشد نه «امروز». با این شیوه، جنگ حتی‌المقدور شبیه خودش بازسازی می‌شود. در این فرایند، عنوان، اشخاص، گفتارها و... خاص همان روز ثبت می‌شود. آرمان‌ها و ایده‌آل‌ها همان‌گونه که در آن روز جریان داشته‌اند منعکس می‌شوند و ممکن است با حال و هوای «امروز» متفاوت و گاه متناقض باشد.

مؤلفان براساس وسواسی عالمانه و برای گریز از وضعیت هم‌زمان با انتشار کتاب‌ها می‌گویند که اگر کسی امروز فردی عادی و حتی منفور و مطرود است و آن روز شخصیتی سرشناس و محبوب بوده است یا برعکس، در این روزشمار به گونه‌ای که آن روز مطرح بوده، مطرح شده است. خواننده این مجموعه به هنگام مطالعه متن از فضای کنونی رها شده و در فضای آن روز قرار می‌گیرد. محققین و نویسندگان مجموعه روزشمار و از جمله نویسنده کتاب حاضر بر این باورند که فارغ‌البال از مقتضیات امروزی و تحولات قدرت به بازگویی حقایق و واقعیات اقدام می‌کنند و این رویکرد عالمانه را نقطه قوت همه آثار تاریخی از جمله این مجموعه‌ها می‌دانند.

اصلی‌ترین کار در فرایند تدوین روزشمار گزینش داده‌ها است. پدیدآورندگان برای گریز از ابهامات احتمالی، تلاش کرده‌اند با آوردن مجموعه‌ای از اطلاعات، آنها را به صورتی ترکیب کنند که هم از آوردن اخبار پرتعداد و ملال‌آور دوری گزیده باشند و هم این که از حذف اخباری که ممکن است نامهم به نظر آید، پرهیز کرده باشند. خواننده با مراجعه به کتاب درمی‌یابد که هر گروه از اخبار با یک شماره ردیف مشخص شده است. هر شماره ردیف نشان‌دهنده چند خبر است و به شکل یک گزارش یا مقاله کوتاه تنظیم شده است. در پایان هر کتاب «گزارش روزشمار» نیز با هدف استفاده بهتر از مطالب افزوده شده است. وجود فهرست‌های اعلام و اشخاص و اماکن و... در پایان هر کتاب، در شمار نقطه‌قوت‌های این مجموعه است.

جلد نخست کتاب هفتم از مجموعه روزشمار جنگ ایران و عراق که موضوع سطور حاضر است، با عنوان: «قطع رابطه آمریکا با ایران» منتشر شده است. نویسنده کتاب، هادی نخعی، پژوهشگر بنام تاریخ جنگ است. وی که در شمار مؤسسين و پایه‌گذاران مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ است، از نخستین مراحل شکل‌گیری مرکز در آن حضور داشته و در روزگار جنگ در کنار فرماندهان آن روز، بسیاری از صحنه‌های نبرد را به عنوان «راوی» تجربه کرده است.

کتاب هفتم، مجموعه اخبار مرتبط با فروردین ماه ۱۳۵۹ رادر بر می‌گیرد. در این روزشمار، حوادث فروردین ماه ۱۳۵۹ طی ۷۵۹ گزارش و ۱۱۵

ضمیمه کتاب دهم از این مجموعه، می‌تواند به آگاهی‌های ارزشمندی درباره شکل و محتوی، شیوه تدوین، روش تحقیق و نیز تاریخچه، اهداف و چگونگی شکل‌گیری پروژه بزرگ روزشمار جنگ ایران و عراق دست یابد. به عنوان مثال در کتاب اول این مجموعه، درباره چشم‌انداز مورد نظر محققان دست‌اندرکار در تدوین روزشمار آمده است:

«در طرح تحقیقاتی روزشمار جنگ ایران و عراق، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ با اتکا به تحقیقات میدانی بی‌نظیر و منحصر به فرد و نیز تحقیقات کتابخانه‌ای وسیع در پی پاسخ هر چه دقیق‌تر و جامع‌تر و همه‌جانبه‌تر به این پرسش اساسی درباره جنگ تحمیلی است: «جنگ چرا و چگونه شروع شد؟ چرا و چگونه تداوم یافت و چرا و چگونه پایان یافت؟» (روزشمار جنگ ایران و عراق ۱، صفحه ۱۶)

در ادامه این نوشتار، درباره منابع مورد استفاده در تدوین روزشمار می‌خوانیم:

«منابع مورد استفاده در روزشمار جنگ را می‌توان به دو دسته «منابع اختصاصی تحقیقات جنگ» و «منابع عمومی» تقسیم کرد. منابع اختصاصی این مرکز، ثمره تحقیقات میدانی منحصر به فردی است که در هریک شرایط تاریخی خاص، امکان تهیه آن فراهم شده است و تکرارپذیر هم نیست... سی هزار نوار کاست شامل جلسات فرماندهان سپاه و جلسات مشترک فرماندهان سپاه و ارتش (که از جمله مباحث طراحی مانور عملیات آتی تا بررسی و تجزیه و تحلیل عملیات انجام شده را در برمی‌گیرد). مکالمات بی‌سیم هدایت عملیات و فرامین دستوره‌های فرماندهان رده‌های مختلف سپاه و ارتش در حین نبرد، مصاحبه‌های انجام شده در صحنه جنگ و قرارگاه‌های مختلف و نیز آنچه در همراهی شبانه‌روزی راویان مرکز با فرماندهان جنگ به سمع و نظر راویان رسیده است، بخشی از منابع اختصاصی مرکز محسوب می‌شود دیگر منابع عبارتند از: دفاتر یادداشت راویان، گزارش‌های مستند آنان که بعضاً همان ایام برای استفاده برخی مسئولین تنظیم و تدوین شده است و نیز نقشه‌ها و کالک‌های عملیاتی دستورالعمل‌ها، بخشنامه و گزارش‌های داخلی سپاه و دیگری نیروهای مسلح که بیش از دویست هزار سند را شامل می‌شود.

منابع عمومی روزشمار جنگ دو دسته هستند. دسته اول شامل کتب

**محققین و نویسندگان مجموعه  
روزشمار و از جمله نویسنده کتاب  
حاضر بر این باورند که فارغ البال از  
مقتضیات امروزی و تحولات قدرت  
به بازگویی حقایق و واقعیات اقدام  
می‌کنند و این رویکرد عالمانه را نقطه  
قوت همه آثار تاریخی از جمله این  
مجموعه‌ها می‌دانند**

ایران در غرب کشور، برخورد نیروهای دو صف سیاسی موسوم به «لیبرال - خط امام»، رفتارهای دوگانه بخشی از نیروهای سیاسی که گاه در پی رفتار دمکراتیک درون حکومتی و گاه معارضه مسلحانه بودند و همچنین سرگردانی سایر نیروهای سیاسی در بین این صف‌آرایی‌ها، در شمار عواملی است که عراق را هر روز بیشتر از روز پیش به تحرک و تجاوز نظامی تحریض می‌کرد. در نگاهی گذرا به حوادث مورد نظر کتاب، جمع‌بندی زیر قابل رؤیت است:

«مرور فروردین ماه ۱۳۵۹ (دوره زمانی کتاب) به وضوح نشان می‌دهد که کشور در این مقطع زمانی، در معرض بحران‌های متعددی... قرار داشته است؛ مجموعه این بحران‌ها را در چهار عنوان می‌توان دسته‌بندی کرد:

۱. بحران در روابط و مناسبات ایران و آمریکا
  ۲. بحران در روابط و مناسبات ایران و عراق
  ۳. بحران قومی کردی
  ۴. بحران در تعامل و مناسبات نیروهای سیاسی داخلی [اعم از جریان‌های داخل جناح‌های حکومتی و خارج از آن]»
- در متن کتاب گزارش‌های هر روز، عموماً به ترتیب ردیف‌های چهارگانه بالا تنظیم و ارائه شده است که گویای نگرش خاص نویسنده به زمینه‌های جنگ عراق علیه ایران است. کتاب حاضر در شمار یکی از کتاب‌های موفق تاریخ جنگ جای می‌گیرد و بی‌گمان در آینده از جمله اصلی‌ترین منابع این برهه از تاریخ کشورمان خواهد بود. خواننده، در این کتاب، برخلاف بسیاری از متون مشابه، با تصاویری زنده مواجه می‌شود و در جای‌جای کتاب فضای حاکم بر مناسبات داخلی و خارجی کشورمان را در آن ایام می‌تواند حس کند. ویژگی اخیر در کنار مستندات، ارجاعات و اسناد اراده کتاب را از اقران خود متمایز کرده است.

خواننده علاقمند به پیگیری مباحث تاریخ جنگ، در این اثر با نکات ارزشمندی آشنا می‌شود. به عنوان مثال، هنگامی که در پی ماه‌ها صف‌آرایی اخیر بین ایران و آمریکا که ناشی از وقایع «لانه جاسوسی» بود؛ کارتر نامه‌ای به امام خمینی نوشت و آن نامه در محافل خبری مطرح شد. آمریکایی‌ها با نوعی غافل‌گیری مواجه شدند. روند

ضمیمه آمده است. نویسندگان در توضیح می‌گویند که ابتدا قرار بود در این کتاب حوادث ماه‌های فرودین و اردیبهشت بیاید؛ اما لزوم حفظ اصالت تاریخی و انبوه اطلاعات مرتبط با تحولات تعیین‌کننده در ماه یاد شده، که به واقع در شمار یکی از زمینه‌های مهم وقوع جنگ عراق علیه ایران است، موجب شد کتاب به دو مجلد افزایش یابد. در جلد نخست خواننده با مرور مهم‌ترین موضوعات داخلی و خارجی که در ایجاد شرایط جنگی دخیل بوده‌اند، آشنا می‌شود. نویسنده کوشیده است با تحلیل مسائلی که بر قدرت حکومتی، امنیت ملی و ثبات سیاسی نظام تازه‌تأسیس جمهوری اسلامی تأثیر داشته‌اند، زمینه‌های بروز جنگ را در چشم‌اندازی وسیع‌تر وصف کند.

طی فروردین ماه ۵۹، در بُعد خارجی شاهد سیر برگشت‌ناپذیر روابط ایران با آمریکا و عراق بود. در عرصه داخلی نیز صف‌بندی‌های گروه‌ها و جریان‌های داخل و خارج حکومت و همچنین دور جدید درگیری‌های سقز و سنندج خود را به رخ می‌کشید. در آن ایام، نظام وضعیتی دوگانه را تجربه می‌کرد. از یک سو برگزاری انتخابات پی‌درپی از برنامه رهبران و مدیران بعد از انقلاب برای ایجاد ثبات حکایت می‌کرد و از سوی دیگر، وضعیت انقلابی و نیروی پر قدرت آن رفتاری رابه نمایش می‌گذاشت که گویای حضور در یک چرخه منظم نبود. بسیاری از گروه‌های سیاسی اعم از موافق و مخالف نظام، چرخه نوین ثبات را بر نمی‌تابیدند. آنان با در اختیار گرفتن بسیاری از امکانات عمومی و رأساً آن را با سلیقه خود اداره کرده و از آنها بهره می‌بردند. نویسندگان فقدان ظرفیت‌های لازم در نظام برای پاسخ‌گویی به مطالبات به ارت رسیده از حکومت پهلوی و مطالبات جدید شکل گرفته در مدت کوتاه بعد از انقلاب، شرایطی را در عرصه سیاسی پدید آورده بود که نویسنده از آن با عنوان «بحران مشارکت» یاد می‌کند.

«بحران مشارکت، هم در جناح‌بندی حکومتی و صف‌بندی نخبگان نظام جدید و هم در صف‌بندی جریان‌های عرصه سیاسی کشور، هر روز تهدیدکننده‌تر از پیش خود را نشان می‌دهد. مطالبات قومی در مناطق کردنشین که به وسیله گروه‌های غیرمذهبی و مسلح قالب براندازی و تجزیه‌طلبانه پیدا کرده است، نظام را با بحران دیگری روبرو کرده که آن هم هر روز تهدیدکننده‌تر می‌شود... فروردین ماه زمان شروع درگیری‌های مسلحانه در سقز و سنندج است که اساساً دور جدیدی از تحولات و درگیری‌های مسلحانه در کردستان با آن شروع می‌شود.»

هم زمان با این شرایط، در عرصه خارجی نیز آمریکا و عراق ایران انقلابی را به چالش کشیده‌اند. آمریکا در پی سقوط پایگاه منطقه‌ای خود با پیروزی انقلاب اسلامی و ماجرای «لانه جاسوسی» آن‌چنان تحقیر شده است که برای احیای قدرت خود لحظه‌شماری می‌کند. عراق نیز در پی خلاء قدرت منطقه‌ای، بهترین فرصت را برای ارضای قدرت‌طلبی و تحقق مطامع خویش یافته است. در این فرایند، اهدافی همانند رهبری جهان عرب و بهانه‌هایی چون جزایر سه‌گانه و حاکمیت اروند رود، پس‌زمینه ورود به نبردی فراگیر را در چند ماه بعد هماهنگ با تدارک و ایجاد آمادگی وسیع نظامی مهیا می‌کند.

نویسنده معتقد است درگیری آمریکا با ایران، درگیر بودن قوای نظامی

رویارویی آمریکا و ایران پس از مطرح شدن ایده سپرده شدن سرنوشت گروگان‌ها به مجلس، توسط رهبری انقلاب برگشت‌ناپذیر می‌نمود. آمریکایی‌ها در طرحی فوق‌سری، به دنبال برخورد نظامی با ایران بودند و برای تحقق این موضوع، همه چیز را مهیا می‌دیدند. آمریکا با اعلام قطع رابطه رسمی بین دو کشور مقدمات عملیات نظامی را آماده می‌کرد. هم‌زمان با این تحولات، در عرصه داخلی روند امور در فضایی انقلابی صورت می‌یست. جالب است بدانیم پس از اعلام قطع رابطه دیپلماتیک، همه نیروهای سیاسی از آن استقبال کردند. طیف متنوعی از جریان‌های سیاسی شامل: حزب جمهوری اسلامی، نهضت آزادی، جنبش مسلمانان مبارز، حزب ملت ایران، جبهه ملی، مجاهدین خلق، حزب توده و... این حادثه را گرمی داشتند. متن اطلاعیه‌ها و بیانیه‌های سیاسی گروه‌های یادشده در کتاب درج شده است. مطالعه این بخش، عمق خشم ملی و متحدانه نخبگان و توده‌های ایرانی را نسبت به سیاست‌های سلطه‌جویانه آمریکایی‌ها نشان می‌دهد.

آگاهی از شرایط بحرانی پدیدآمده در روابط ایران و عراق طی فروردین ۵۹، قسمت‌های مهمی از کتاب را در بر گرفته است. عراق به رهبری صدام حسین در عرصه نظامی، انجام حرکات محدود و ایدایی جنگی در نوار مرزی، تقویت و پشتیبانی مخالفان فعال در میان گروه‌های قومی در جنوب و غرب کشور، اجرای آتش توپخانه؛ مین‌گذاری معابر و جاده‌ها؛ انفجار لوله‌های نفتی و... را بیش از پیش، دنبال می‌کرد. در عرصه تبلیغاتی، خط جعلی ارتباط ایران انقلابی با اسرائیل، دامن زدن به اختلافات قومی در مناطق عرب‌نشین و کردزبان، و از همه مهم‌تر بزرگ‌نمایی ناسیونالیسم عربی - بعثی و ادعای رهبری جهان عرب برای آزادسازی مناطق اشغالی واقع در «خلیج عربی» از دست ایرانیان با عنوان «صدام قادسیه» توسط حکام بعثی عراق پیگیری می‌شد. نیروهای حاکم بر عراق، هم‌زمان برنامه اخراج عراقی‌های ایرانی‌تبار را دنبال می‌کردند. نیروهای سیاسی مخالف نیز عامل ایران خوانده شده و سرکوب وسیع و شدید آنان دنبال می‌شد.

در عرصه سیاسی مواضع عراق راه بی‌بازگشت جنگ را نشان می‌داد. عراق سه شرط برای توقف اقدامات خود اعلام کرد:

۱. خروج بی قید و شرط از سه جزیره [تنب کوچک؛ تنب بزرگ و ابوموسی]
۲. بازگرداندن وضع دنباله شط العرب [اروند رود] به قبل از قرا داد ۱۹۷۵
۳. به رسمیت شناختن عرب بودن مردم عربستان [خوزستان]

ناممکن بودن پذیرش این شروط، که در پیوند مستقیم با منافع ملی و سرشت و سرنوشت ایران برآمده از انقلاب اسلامی بود، آشکارا خودنمایی می‌کرد. در این عرصه نیز همه ایرانیان، فارغ از هر گونه تعلق خاص واکنش نشان داده و مخالفت خود را با بعثی‌های حاکم بر عراق اعلام می‌کردند. البته در آن ایام، ایرانیان به واسطه مشکلات عدیده ناشی از وضعیت انقلابی و ضعف نیروهای نظامی، عملاً نمی‌توانستند در مقابل عملیات نظامی نیروهای عراقی واکنش جدی نشان دهند، اما قرار گرفتن

نام صدام در کنار آمریکا و لعن او در تمام مراسم مذهبی و سیاسی، گویای باور به رابطه او و آمریکا در اذهان عمومی بود. این واکنش عمومی از باور عمیق ایرانیان در دست‌نشانده و مزدور فرض کردن صدام گواهی می‌داد. این حرکت عمومی شکل‌گیری نوعی سرسختی و قاطعیت عمومی در قبال هر نوع هجوم عراقی‌ها را تأیید می‌کرد. در همین اثنا، در دیگر سوی ایران «بحران قومی کردی» مشکل‌آفرین می‌نمود. در شهرهای سنندج، سقز، پاوه، نوسود، نقده، مهاباد و مناطق حومه آنها درگیری‌های نظامی رو به تزايد بود. هم‌زمان با اقدامات هدفمند معارضان مسلح برای رسیدن به اهداف جدایی‌طلبانه خویش، نگاه‌های خوش‌بینانه و مسالمت‌جویانه برای حل و فصل بحران کردستان رو به افول می‌گذارد و از سوی دیگر، دیدگاه‌های انقلابی و رادیکال قوت می‌گرفت. در کردستان نیروهای وابسته به احزاب کومله، دمکرات و چریک‌های فدایی خلق، هم‌زمان با افزایش تحرکات خود، سعی می‌کردند نیروهای مرتبط با نظام را در کردستان به حاشیه برانند.

ناپایداری مناسبات برقرار شده بین نیروهای سیاسی که از آن با عنوان: بحران در تعامل و مناسبات نیروهای سیاسی داخلی، اعم از جریان‌های داخل جناح‌های حکومتی و خارج از آن یاد شده است؛ دسته‌ای دیگر از مطالب خواندنی کتاب است. نویسنده معتقد است این بحران به نسبت سه بحران دیگر از حدت بالایی برخوردار نبود؛ اما در نطفه خود مسائلی را می‌پروراند که کوچک‌ترین امید را برای رفتن به سوی جامعه‌ای چندصدایی و حل مسالمت‌آمیز اختلافات باقی نمی‌گذارد. مواضع سرسختانه، رفتارهای عوام‌فریبانه، کینه‌توزی و دروغ‌پردازی گویای انعطاف‌ناپذیری سیاسی بود. در اعلامیه‌های سازمان پیکار نیروهای نظامی حکومت مرکزی با ارتش اسرائیل یکی شمرده می‌شدند. چریک‌های فدایی خلق اعضای شورای انقلاب را مزدور امپریالیست می‌خواندند.

در داخل حکومت نیز عمدتاً نیروها در دو جناح «خط امام - بنی صدر» صف‌آرایی کرده بودند. نهضت آزادی نیز قطب سوم نیروهای درون حاکمیت بود، که البته ضعیف‌تر از دو جریان یادشده می‌نمود و به‌رغم مشکلات عدیده‌ای که با هر دو جناح داشت، به تدریج فاصله خود را با یکی از این دو جریان کمتر می‌کرد. صورت نهایی این صف‌بندی در ماه‌های بعد آشکار شد؛ اما برای حکومت عراق که مترصد هجوم سراسری بود، این اختلافات در شمار زمینه‌های مهیا برای فروپاشی به شمار می‌رفت.

در روزهای پایانی فروردین ماه ۵۹ در دانشگاه‌ها نیز اتفاقاتی که بعداً انقلاب فرهنگی نام گرفت، در حال وقوع بود. در آن زمان هر دو جناح حکومت در حل و فصل مسائل دانشگاه‌ها اتفاق نظر داشتند و تبدیل شدن دانشگاه به اتاق جنگ علیه انقلاب را بر نمی‌تاییدند. تداوم انعکاس این اتفاقات، موضوع جلد دوم کتاب هفتم از روزشمار جنگ است که در آینده منتشر خواهد شد.

نکته پایانی این که مروری گذرا بر این کتاب، که وظیفه ثبت حوادث و ارائه تصویری واقع‌بینانه از شرایط ایران طی فروردین ماه ۵۹ را برعهده گرفته است، موفقیت نویسنده را گواهی می‌دهد.